

خبرنامه کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران

تظاهرات خونین در اکبرآباد تهران

تظاهرات اعتراضی مردم اکبرآباد، شهرک کارگری از حومه‌های جنوب غربی تهران، در پانزدهم فروردین ۷۴، توسط مأموران دولتی سرکوب شد و چندین نفر کشته و صدها نفر زخمی و مجروح شدند. خبرگزاری فرانسه تعداد کشته‌شدگان را ده نفر اعلام کرد.

روز ۱۵ فروردین/۴ آوریل خبرگزاری فرانسه از تهران گزارش داد که در شهرک اکبرآباد مردم در اعتراض به گرانی سرسام‌آور مایحتاج زندگی و بویژه قیمت بلیت اتوبوس، دست به تظاهرات زدند، به چند ساختمان دولتی و بانک حمله کردند و چند اتوبوس پاسبانان و نیروهای انتظامی را به آتش کشیدند. بنا به این گزارش مردم با مأموران انتظامی درگیر شدند و چندین مأمور را خلع سلاح کردند. نیروهای ویژه ضد شورش و پاسداران و بسیجیها بلافاصله دست به سرکوب مردم زدند و دهها تن کشته و تعداد بسیاری مجروح شدند.

در حالیکه خبرگزاریهای بین‌المللی خبر تظاهرات و درگیریهای اکبرآباد را مخایره کردند و در رسانه‌های عمومی جهان انعکاس وسیعی پیدا کرد، مقامات رسمی و خبرگزاری ایران، تا دو روز بعد از تظاهرات صحبتی از این مسئله نکرده بودند.

خبرگزاری فرانسه در گزارش مربوط به اکبرآباد، از قول شاهدان عینی و خبرنگار خود در ایران، اضافه می‌کند که مردم شمارهایی علیه حکومت می‌داده‌اند. یک جوان به خبرنگار مزبور گفته است: «در اکبرآباد انقلاب تازه‌ای آغاز شده است» و جوان دیگری افزوده است که: «این قزوین دوم است.»

جایزه جدید سازمان تبلیغات اسلامی

سازمان تبلیغات اسلامی ایران، به مناسبت جشنهای دهه فجر، اعلام کرد به کسی که بهتر از همه رنج و اضطراب سلمان رشدی را به قلم آورد، ده سکه طلا جایزه می‌دهد. این جایزه آنجا و حیرت بسیاری از نویسندگان جهان را برانگیخت، در همین رابطه پی‌یر ژرژ، در روزنامه لوموند می‌نویسد: «پیداست که در ایران واژه کم به‌تر از گلوله است. ده سکه طلا جایزه کسی که درد و رنج انسانی را به قلم آورد، اما، ده میلیون برای کشتن هم، چه تشویقی برای نویسندگان!» ... «چنین تشویقی» همچنین هشداری است روشن به همه کسانی که می‌خواهند به گونه‌ای غیر از شیوه مجاز دولتی بنویسند... دست ردی است بر سینه آزادی فرهنگی که به خوبی نشان می‌دهد که افکار در ایران چگونه در زنجیرند.» (کیهان لندن، ۲۰ بهمن ۷۳/۹ فوریه ۹۵).

محکومیت نقض منظم حقوق بشر در ایران

رینالدو گالیندوئل، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، طی گزارشی در ۹۵/۲/۲۰، اعلام کرد که وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بهبود نیافته است. این گزارش با اتکاء بر نمونه‌های فراوان، تاکید می‌کند که بازداشت‌های خودسرانه، اعمال شکنجه، اعدام‌های دسته‌جمعی - غالباً در ملاء عام - سنگسار زنان، قطع اعضاء بدن و شلاق از سکه‌های رایج در جمهوری اسلامی ایران است. براساس این گزارش شرایط زنان در ایران بسیار نگران کننده است، دولت ایران منکر قوانین و معاهدات بین‌المللی (به رسمیت شناخته شده از سوی کنفرانس جهانی وین درباره حقوق بشر) علیه تبعیضات جنسی است. گزارش ضمن ابراز نگرانی نسبت به حملات «باند‌های کنترل نشده» به جرایم و اجتماعات آرام، نحوه برگزاری دادگاههای سیاسی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌افزاید غالب این دادگاهها در اتاقهای در بسته زندانها و در نبود ناظران انجام می‌گیرد. براساس ارزیابی آقای گالیندوئل، دولت جمهوری اسلامی باید بدون تأخیر، همکاری خود را با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از سر گیرد و براساس موافقتنامه ۱۹۹۱، شرایطی را فراهم کند تا این سازمان بتواند از وضعیت زندان و زندانیان در ایران بازدید بعمل آورد. گزارشگر ویژه سازمان ملل، از دولت ایران خواسته است تحقیقات بیطرفانه‌ای در مورد قتل سه کشتیای متعرض ایرانی، یکی از رهبران جامعه سنیهای پندرعیاس و همچنین مرگ علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، انجام گیرد. گزارش همچنین خواسته است که دولت از کشتار کردها و آزار و پیگرد بهائیان دست بردارد. (لوموند، ۲/۲۲/۱۹۹۵)

«ایران سازمانده کشتار است»

هیئت قضات دادگاه میکونوس برلین، بعد از چندین ماه، سرانجام در ۲۳ مارس ۹۵/۳ فروردین ۷۴ موافقت کرد که «گزارش گروه کار ایران سازمان اطلاعات داخلی آلمان» (ب. اف. و.) در دادگاه مطرح شود. این گزارش درباره فعالیت‌های سازمانهای اطلاعاتی ایران است که در ۲۹ ژوئن منتشر و در ۱۴ اکتبر به دادگاه ارائه شده بود (خبرنامه، شماره ۱۴، دی ۷۳) به وسیله کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین در ۱۴ صفحه، در نوامبر ۹۴ ترجمه و منتشر شد.

کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین روز ۲۴ مارس ۹۵/۳ فروردین ۷۴ طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «در این گزارش تأیید شده است که طرح‌ریزی و اجرای ترور رهبران حزب دموکرات کردستان ایران در ۱۸ سپتامبر ۹۲ زیر نظر بقیه در صفحه ۲

نامه اعتراضی ۵۰۰ روزنامه نگار ایرانی

۵۰۰ روزنامه نگار در ایران طی نامه‌ای به مقامات جمهوری اسلامی نسبت به شرایط حرفه‌ای و سیاسی خود اعتراض کردند. این نامه برای وزیر کار، مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرستاده شده است، ضمن دفاع از خواسته‌های صنفی دست اندرکاران مطبوعات ایران، پرده از به «زندانیان افتادن» روزنامه‌نگاران و «منوعیت و محدودیت شغلی» آنان برداشته است.

پس از انتشار «متن ۱۳۴ نویسنده»، این دومین اعتراض بزرگ اهل قلم ایران به وضعیت نابسامان و موانع امر چاپ و نشر در ایران است. امضاءکنندگان این نامه خواسته‌اند که روزنامه‌نگاری، به دلیل «خطرهایی» که برای روزنامه‌نگاران (مجروح یا مصدوم یا کشته شدن در حین انجام وظیفه) وجود دارد، به عنوان یک «حرفه دشوار» تلقی شود، بطوری که یک روزنامه‌نگار بتواند به جای داشتن ۳۰ سال سابقه کار، با ۲۰ سال سابقه بازنشسته شود.

هشدار «مقام امنیتی»

موسوی‌نژاد، مدیرکل امنیت داخلی وزارت اطلاعات و امنیت ایران، در مصاحبه‌ای با اطلاعات بین‌المللی، خطاب به ایرانیان مقیم خارج که به ایران رفت و آمد می‌کنند گفت که: «ما تسلط همه جانبه بر اوضاع مملکت داریم و به کسانی که فکر براندازی را کنار گذاشته‌اند و مخالفت فعال با رژیم ندارند اجازه می‌دهیم به ایران رفت و آمد کنند. بنابراین ایرانیانی که به ایران رفت و آمد دارند باید فکر «شیطنت و براندازی رژیم» را کنار بگذارند و گرنه «نتیجه‌اش را خواهند دید.»

این مقام امنیتی در مصاحبه خود نیروهای مخالف را به دو نوع تقسیم کرد: «گروه اول که به دنبال از بین بردن جمهوری اسلامی هستند و قصد دارند به هر شکل ممکن و حتی با کمک خارجی نظام ما را نابود کنند... ما ناچاریم با آنها از موضع قدرت برخورد کنیم و تا بحال هم نشان داده‌ایم که قدرت این کار را داریم» گروه دوم از نظر مقام امنیتی نیروهایی هستند که خواهان از بین بردن تمامیت جمهوری اسلامی نیستند، او گفت: «ما آماده‌ایم که سخنان این گروه را بشنوسیم» (کیهان لندن، ۲۷ بهمن ۷۳/۱۶ فوریه ۹۵).

۶ سال پس از فتوای قتل سلمان رشدی

صفحه ۲

اجباری شدن تبلیغ برای تشیع و پخش اذان شیعی از مساجد سنی، موجب ناراضایی شدید مردم سنی مذهب سنی شد. روز جمعه ۲۶ اسفند ۱۷/۷۳، ۹۵ هنگامی که مردم سنی برای نماز جمعه به مسجد جامع رفتند، امام جمعه اعلام کرد که از این پس اذان شیعی پخش می‌شود و برای مذهب تشیع تبلیغ می‌گردد. این سیاست دولت، نمازگزاران را خشمگین کرد و به تظاهرات انجامید.

به موجب اطلاعیه حزب دموکرات کردستان در این باره، ۲۸ اسفند ۱۹/۱۹، نمازگزاران برای شکایت به استانداری رفتند، استاندار نیز همان حرفها را تکرار کرد. ناراضایی مردم شکل تظاهرات ضد رژیم به خود گرفت، به استانداری حمله کردند و شیشه‌های آنجا را شکستند. نیروهای انتظامی بعد از پراکندن مردم، حدود چهل نفر را دستگیر کردند.

کمیته ضد اختناق و سانسور در سوئد

گروهی از ایرانیان مقیم سوئد به دنبال انتشار بیانیه ۱۳۴ نویسنده در ایران و «برای دفاع از آزادی بیان و اندیشه و مبارزه علیه تمامی اشکال سانسور و خفقان و دگم‌اندیشی از سوی هرکس که باشد» در نوامبر ۹۴ / آبان ۷۳ اقدام به تشکیل «کمیته ضد اختناق و سانسور در ایران» کرده‌اند. اعضای کمیته، در اولین شماره گاهنامه خبری خود، ضمن توضیح هدفهای کمیته، اخبار مربوط به سانسور و خفقان در ایران را درج کرده‌اند. آدرس کمیته: K. F. M. R. I. (Komittén for försvar av de manniskliga rättigheterna i Iran) C/O AFTAB Box: 5065/163 05 SPANGA / SWEDEN

بقیه ایران سازمانده ...

سستقیم سفارت ایران در بِن بوده است و کاظم دارابی، متهم اصلی، نیز در این رابطه نقش فعالی ایفا کرده است.

در بخشهایی از این اطلاعیه آمده است: «این گزارش که در تاریخ ۱۴/۱۰/۹۴ از طرف آقای یشکه، وکیل شاکی خصوصی، به دادگاه ارائه شده بود در مطبوعات سهم آلمان سر و صدای زیادی برانگیخت، وزیر داخلی آلمان تاکنون اجازه شهادت در مورد این امر را به مقامات امنیتی آلمان نداده است و به همین خاطر آقای یشکه از دادگاه تقاضا کرد که از موقعیت بیطرفانه خود برای بررسی این سند به عنوان یک مدرک در دادگاه استفاده کند. با موافقت دادگاه نسبت به قرائت گزارش مزبور، مشخص شد که این سند برای دادگاه حائز اهمیت است. در هنگام قرائت دلایل پذیرفتن تقاضای وکیل مدافع، رئیس دادگاه تذکر داد که در پاسخ وزارت امنیت داخلی آلمان تاکید شده بود که این سند با مسئولیت آقای کلاوس کرونه والد مدیر این سازمان تهیه شده ولی اجازه شهادت به ایشان داده نمی‌شود. قبول این که گزارش مذکور با مسئولیت مدیر سازمان اطلاعات آلمان تدوین شده نشانگر وجود چنین سندی می‌باشد و حتی اگر فاقد امضا باشد دادگاه نمی‌تواند با آن بی‌تفاوت برخورد کند. بخشهای اصلی این سند در ۲۳ / ۳ / ۹۵ در دادگاه قرائت شد و

بدین ترتیب سند رسمی دیگری دال بر تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران توسط یک دادگاه جنایی به افکار عمومی ارائه شد.

قرائت این گزارش در دادگاه در مطبوعات آلمان انعکاس وسیعی پیدا کرد از جمله روزنامه فرانکفورتر راندشاو در ۲۵ مارس، تحت عنوان «ایران سازمانده کشتار است»، طی مقاله‌ای بخشهایی از این گزارش را به چاپ رساند.

دفاع روشنفکران فرانسوی از «متن ۱۳۴ نویسنده»

جامعه حقوق بشر - فرانسه، در ۹ فوریه ۹۵، فراخوانی در دفاع از بیانیه ۱۳۴ نویسنده ایرانی منتشر کرد. این فراخوان به امضاء بیش از صدها تن از نویسندگان و روشنفکران برجسته فرانسوی، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، اساتید دانشگاهها، مسزولان فدراسیونها و اعضاء کمیته مرکزی جامعه حقوق بشر - فرانسه و... رسیده است. در این فراخوان می‌خوانیم: «ما امضاءکنندگان زیر پشتیبانی خود را از بیانیه ۱۳۴ نویسنده ایرانی در دفاع از آزادی اندیشه و بیان در ایران، اعلام می‌کنیم. ما فکر می‌کنیم که حق مشروع این نویسندگان است که در کانون حرفه‌ای مستقل نویسندگان متشکل شوند و هرگونه فشاری علیه آنان به منزله نقض حقوق بشر است. در برابر چنین شرایطی، ما نمی‌توانیم سکوت اختیار کنیم و به این ترتیب صدای خود را به صدای این نویسندگان می‌افزاییم و همراه آنان خواستار برچیده شدن همه دستگاههای سانسور در ایران هستیم». در میان امضاءکنندگان این متن می‌توان از شخصیتهای فرهنگی - سیاسی زیر نام برد:

فرانسواز بالیبار (استاد دانشگاه سوربون)، پی‌یر بوردیو (استاد دانشگاه، جامعه شناس)، هلن سیکسوس (ستاد دانشگاه)، پاسکال کویر (وکیل)، عضو کمیته مرکزی جامعه حقوق بشر - فرانسه، گوستاو گاوراس (سینماگر)، ژاک دریدا (فیلسوف)، استاد دانشگاه، معاون رئیس پارلمان بین‌المللی نویسندگان)، ژان پی‌یر فای (نویسنده)، ژرژ لایبکا (فیلسوف، استاد دانشگاه)، ایر لاکوست (استاد دانشگاه)، برنارد لانگلوآ (روزنامه‌نگار، مدیر مجله پلینتیس)، هانری لوکلر (وکیل)، معاون رئیس جامعه حقوق بشر - فرانسه، آلبر می (نویسنده)، روبر وردیه (معاون رئیس فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، رئیس کمیسیون مسایل بین‌المللی در جامعه حقوق بشر - فرانسه)، برنارد ولون (رئیس کمیسیون ارتباطات و مطبوعات در جامعه حقوق بشر - فرانسه) و... پاره‌ای از نشریات فرانسه ضمن انعکاس این فراخوان و نقل بخشهایی از «متن ۱۳۴ نویسنده» نوشتند: ۱۳۴ نویسنده ایرانی بیانیه‌ای را امضاء کردند که در آن تشکیل «اتحادیه حرفه‌ای نویسندگان» برای «از میان برداشتن موانع آزادی اندیشه، بیان و انتشار» را اعلام کرده‌اند. (لیبرامیون ۱۴ فوریه، لوموند، ۱۵ فوریه و روزنامه فرانسوی زبان الوطن چاپ الجزایر ۱۵ فوریه ۹۵)، با انعکاس این فراخوان، طی مقاله‌هایی تحت عنوان «روشنفکران ایرانی سانسور را افشاء می‌کنند» می‌نویسند: «روشنفکران ایرانی وارد عمل شده‌اند، آنان با انتشار بیانیه ۱۳۴ نفر، برآند تا افکار عمومی جهان را درباره شرایط عمومی کشوری جلب کنند که در آن فرهنگ به قلمرو متنوع تنزل یافته است.»

۶ سال پس از فتوای قتل سلمان رشدی

در ششمین سالگرد فتوای قتل سلمان رشدی، اتحادیه اروپا، از زبان رئیس شورای وزیران خود، کلوس کینکل، بار دیگر از رهبران دولت ایران خواست حکم اعدام سلمان رشدی را که به منزله «تحقیر بیانیه عمومی حقوق بشر» است، لغو کنند. وزیر امور خارجه دولت سوئد نیز، از دولت ایران خواست که از اجرای این «فتوای غیرانسانی و عاری از معنا» جلوگیری به عمل آورد. همزمان، تظاهراتی به پشتیبانی از سلمان رشدی، با حضور وزیر فرهنگ دولت نروژ و نویسنده بنگلادشی، تسلیمه نسرین، در استکهلم برگزار شد. دولت نروژ کمی پیشتر، روابط دیپلماتیک خود با دولت ایران را به دلیل امتناع جمهوری اسلامی از لغو این فتوا به کلی قطع کرده بود. بسیاری از بلندپایگان دولت دانمارک، منجمک رئیس پارلمان و نمایندگان گروههای پارلمانی این کشور، به عنوان اعتراض به این فتوا، در سفر محمود واعظی، معاون وزیر امور خارجه ایران، به دانمارک از دیدار با او خودداری کردند و سرانجام دولت این کشور سفر علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه ایران، به دانمارک را لغو کرد.

سپاه پاسداران ایران، در واکنش به این اقدامات، اعلام کرد: «کسانی که امیدوارند با گذشت زمان این فتوا لغو شود باید بدانند که فتوای مزبور تا اجرای این دستور الهی به قوت خود باقی خواهد ماند» (لوموند، ۱۷ فوریه ۱۹۹۵). سلمان رشدی در بیانیه‌ای، ۱۳ فوریه ۱۹۹۵، دولت‌های اروپائی را سخت مورد حمله قرار داد. رشدی ضمن اشاره به این نکته که دولت‌های اروپا از سال ۱۹۹۲، سیاستی مبهم و محکوم به شکست را در رابطه با دولت ایران دنبال کرده‌اند، می‌افزاید: «اکنون روشن است که تاکتیک نزدیکی با دولت ایران و از سرگیری مناسبات با آن بر اساس میانی گذشته تنها محرک تحقیری فزاینده است. اگر دولت‌ها در مورد این فتوا مصمم می‌بودند، می‌بایستی روشهای سخت‌تری انتخاب می‌کردند». رشدی ضمن اشاره به سفر واعظی به پاریس که طی آن نامبرده به وضوح اظهار داشت که فتوای قتل سلمان رشدی باید به اجرا در آید، می‌نویسد: «سیاست «گفت‌وگوی انتقادی» غرب نسبت به ایران، نوعی خرافاتی بیش نیست که در آن یکی سخن می‌گوید و دیگری دروغ». روزنامه لیبرامیون (۱۵/۲/۹۵)، با انتشار بخشهایی از اطلاعیه سلمان رشدی، می‌نویسد: اکنون شش سال است که نویسنده کتاب آیه‌های شیطانی قربانی شکل جدیدی از تروریسم، تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران است. در فرانسه نیز، صدها تن از روشنفکران، فعالین و نمایندگان انجمنها، سندیکاها، اعضاء منتخب شهرداریها و همچنین بسیاری از مهاجران کشورهای خاورمیانه و نزدیک، با انتشار فراخوانی به دفاع از رشدی و آزادی بیان برخاستند. و بالاخره در آلمان، «کمیته دفاع از سلمان رشدی» به ریاست گونتر والر، نویسنده و روزنامه‌نگار، فراخوانی برای تحریم شرکت هواپیمایی لوفت‌هانزا منتشر کرد که «به دلایل امنیتی» از نقل و انتقال سلمان رشدی خودداری می‌کند. فراخوان مزبور به امضای بیش از ۲۰۰ تن از هنرمندان، روزنامه‌نگاران، بازرگانان و دانشمندان شناخته شده آلمانی و کشورهای دیگر رسیده است. (لوموند، ۱۷ فوریه ۱۹۹۵)

هستم، حق ملاقات ندارم. کسی به ملاقات من نمی‌آید. حق ملاقات ندارم... اگر امروز تصمیمی نگیرید امروز جلسه بی جلسه. وکیل من هم برای من کاری نمی‌کند...

رئیس دادگاه گفت حرفهای شما درست نیست و شما حق ملاقات دارید. شما نمی‌توانید ما را زیر فشار بگذارید. اگر ساکت نشینید من جلسه را برای یکساعت تعطیل می‌کنم ولی به نفع شماست که وقت دادگاه را تلف نکنید. امین باز هم با داد و فریاد گفت کسی که در دادگاه شرکت می‌کند باید مغزش کار بکند و بفهمد چی به چی است، من به دلیل فشاری که در زندان به من وارد می‌شود از نظر عصبی داغان شده‌ام. وکیل هم می‌خواهد که من همیشه ساکت باشم.

اطلاعات مأموران انگلیسی

رئیس دادگاه آقای بینز را به جایگاه دعوت کرد.

آقای بینز بعد از صحبت در مورد ارقام بولی چاپچا شده در حسابهای دارایی و ایاد - که قبلاً از آن صحبت شده است - از ملاقات خود با مأموران سازمان اطلاعات و امنیت انگلیس در محل این سازمان در برلین صحبت کرد. آنها در این ملاقات اطلاعاتی داده‌اند مبنی بر اینکه: دارایی مأمور سازمان امنیت ایران است و مسئول او در سفارت ایران در بن مستقر است. می‌دانستند که امین در شهر راینه دستگیر شده است. آنها گفتند اطلاعاتشان موثق است. من جزئیات را نمی‌توانم بگویم چون اجازه ندارم.

رئیس دادگاه: آنها در مورد حرفهای امین راجع به دارایی اطلاع داشتند؟

- بله. آنها می‌دانستند که دارایی به دخالت در این موضوع متهم شده است. و می‌دانستند که امین از دارایی نام برده است. این دو مأمور از سوابق دارایی و فعالیتهای سیاسی‌اش در آلمان اطلاعاتی دادند که اکثر آنها را من می‌دانستم. همچنین گفتند دارایی در حوالی راینه رابطی دارد به نام یوسف الوش که نمی‌دانند در این تروور دخالت داشته است یا نه. مأموران انگلیس در مورد حسن شهروور و یوسف امین حرف زدند، آنها گفتند که دارایی و شهروور از اعضای رهبری حزب‌الله هستند.

رئیس: در یادداشت شما راجع به اطلاعات قبلی پلیس جنایی در مورد این افراد آمده است که دارایی و شهروور و «نفر سوم» خطرناک هستند.

شاهد: در چارچوب روابط کتبی ملی و بین‌المللی چندین بار به این اشخاص اشاره شده بود. در این مورد نمی‌توانم بیشتر از این حرف بزنم. بر مبنای اطلاعات این گزارش یک سوء قصد در دست اجرا بود و اسم این سه نفر مطرح شده بود. پلیس جنایی این اطلاعات را به پلیس محلی داد تا اقدامات امنیتی لازم را به عمل آورد. البته آن سوء قصد انجام نشد.

در این موقع وکیل دارایی گفت اطلاعات به دست آمده از مأموران امنیتی انگلیس قابل استناد در دادگاه نیست و دادگاه باید در مورد صحت این اطلاعات نظر خود را اعلام کند. رئیس دادگاه گفت در این مورد دادگاه باید شور کند. و تا آن وقت می‌تواند جریان عادی دادگاه ادامه داشته باشد.

وکیل دارایی: ولی این کار باید قبل از ادامه شهادت انجام بشود.

وکیل امین هم از این حرف دفاع کرد و

اخراج پناهجویان ایرانی از ترکیه

استرداد پناهجویان ایرانی مقیم ترکیه که بنا بر قرارداد همکاریهای مرزی، از اردیبهشت سال گذشته شروع شده بود، مجدداً در روزهای اخیر منجر به احضار و یا دستگیری عده‌ای از پناهجویان توسط پلیس ترکیه شد. به موجب اطلاعات هیئت هماهنگی «اتحاد چپ کارگری»، ۳۱ مارس/ ۱۱ فروردین، شش پناهجو به نامهای حمید و محمد ک.، امیر ق.، خدیجه ت.، محمد هادی خ.، و سیدجعفر خ.، مقیم شهر نیده، بعد از ظهر روز ۳۰ مارس به نقطه نامعلومی منتقل شده‌اند و خبری از آنها در دست نیست.

وکیل رایل گفت: اگر برای کسب این اطلاعات سفارت ایران را کنترل کرده باشند، برخلاف قرارداد بین‌المللی ژنو در مورد مصونیت سفارتخانه‌ها و دفاتر دیپلماتیک است.

وکیل دارایی گفت: این اعتراض شامل کنترل مکاتبات بین‌المللی هم می‌شود.

رئیس دادگاه گفت: به مسئله بعدی می‌پردازیم و از شاهد در مورد اسلحه‌ای که با اثر انگشت رایل به دست آمده است پرسید.

شاهد: شماره آن اسلحه را به پلیس بین‌المللی در مادرید دادیم و معلوم شد که این اسلحه در ۱۵ اوت ۱۹۷۹ به نیروی زمینی شاهنشاهی ایران فرستاده شده است.

بینز در ادامه شهادت خود در پاسخ رئیس دادگاه در مورد یک لبنانی به نام حسن همدانی، گفت او در بازجوییها ابتدا به شدت دروغ می‌گفت و وانمود می‌کرد که می‌ترسد. اما بعد که عکسهای او و برادرش را با دارایی و رایل و علی صبرا به او نشان دادیم اعتراف کرد که با دارایی رابطه نزدیکی دارد. دارایی از سفارت ایران برای او گذرنامه ایرانی گرفته بود و او برای شرکت دارایی خرید می‌کرد و در مسافرتها او را همراهی می‌کرد...

ما یکبار از او پرسیدیم آیا از بیرون به او دیکته می‌شود که چه جوابهایی باید بدهد؟ او گفت که از طرف کنسولگری ایران به او می‌گویند چه پاسخهایی بدهد...

در جلسه بعد از ظهر دوم فوریه وکلای دارایی دو نامه تسلیم دادگاه کردند. آنها این ادعا را که دارایی در آن واحد دو گذرنامه داشته است، رد کردند و در ضمن از دادگاه خواستند مأموران کنسولگری ایران در هامبورگ و اداره گذرنامه در ایران و نیز برادر دارایی در کازرون، به دادگاه دعوت شوند.

آنها اظهارات خانم باوئر را در مورد برداشتهای بانکی دارایی اشتباه خواندند و تقاضا کردند دادگاه از بانک مدارک لازم را بخواهد.

۲۷ و ۲۸ بهمن/ ۱۶ و ۱۷ فوریه، بهمن برنجیان و اشتیاتی در مورد خانه اشتیاتی که در غیاب او در اختیار دارایی و «دوست تاجر» او قرار داشته، شهادت دادند.

برنجیان و همسر غیرایرانی او در سفارت ایران کار می‌کنند.

اشتیاتی در ابتدا مدعی شد غیر از تحصیل کاری نمی‌کند و از چیزی خبر ندارد فقط موقع رفتن به ایران کلید خانه‌اش را، برای سرکشی، به دوست خود بهرام برنجیان داده و در ۱۴ اکتبر ۹۲ وقتی از ایران به برلین برگشته، دیده

تصویب ممنوعیت آنتهای ماهواره‌ای

شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران در ۲۶ بهمن ۱۳۷۳/ ۱۵ فوریه ۹۵، سرانجام طرح ممنوعیت استفاده از آنتهای ماهواره‌ای را تصویب کرد. این طرح در ۲۱ دی، بخاطر عدم پیش‌بینی بودجه اجرائی آن از طرف شورای نگهبان رد شده بود. مجلس شورای اسلامی در ۹ بهمن، برای تأمین نظر شورای نگهبان موادی از این طرح را تغییر داد و ماده‌ای به آن اضافه نمود که بر اساس آن هزینه اجرای طرح از محل جریبه‌هایی که از متخلفان دریافت می‌شود تأمین خواهد گردید! به این ترتیب، «آنتهای شیطانی» این وسیله «تهاجم فرهنگی غرب»، جمع آوری می‌شوند. بنابر گزارش خبرگزاری فرانسه، در حال حاضر حداقل ۲ میلیون نفر از ۲۰ کانال تلویزیون ماهواره‌ای استفاده می‌کنند. کارشناسان و حتی برخی از مقامات جمهوری اسلامی معتقدند که این قانون نیز سرنوشتی همانند قانون مبارزه با ویدئو پیدا خواهد کرد (لوموند، ۲۸ بهمن ۱۳۷۳/ ۱۷ فوریه ۹۵).

که خانه مهر و موم شده و پلیس او را دستگیر کرد. او در ابتدا گفته بود دارایی را از دور می‌شناسد ولی در بازجوییها و در دادگاه معلوم شد که در یک روز و با یک هواپیما با دارایی به برلین بازگشته است.

کمک ایران به حزب‌الله لبنان

۴ بهمن/ ۲۳ فوریه رئیس دادگاه پاسخ اداره حفاظت از قانون اساسی آلمان را به پرسشهای دادگاه می‌کونوس قرائت کرد:

در پاسخ به پرسش مربوط به کمک مالی ایران به حزب‌الله لبنان می‌آید: بر اساس اطلاعات این اداره، ایران کمک کننده اصلی به حزب‌الله لبنان است: کمکهای مالی و نظامی و آموزشی.

اداره حفاظت در مقابل ستوال مربوط به فعالیتهای تروریستی حزب‌الله لبنان، فهرستی از اینگونه فعالیتها را در اختیار دادگاه گذاشته است، فهرستی در ۱۰ صفحه، شامل ۷۵ مورد عملیات آدم‌ربایی و هواپیماربابی و ترور.

در پاسخ بسیاری از سوالهای دادگاه، اداره حفاظت به دلیل اجازه اظهارات محدود، پاسخ روشنی نداده است ولی رابطه دارایی را با علی کریمی، که به عنوان همکار سازمان اطلاعات و امنیت ایران شناخته شده، تأیید می‌کند.

در پاسخ این ستوال که آیا دارایی نماینده دولت ایران در خرید ۱۰ هزار ماسک ضد گاز از آلمان شرقی بوده است یا نه، بر اساس اجازه محدود پاسخی نمی‌دهد.

۵ بهمن/ ۲۴ فوریه استوتوتیست، افسر بخش عملیات ضد تروریستی وزارت کشور آتریش در دادگاه حاضر شد.

او که مأمور رسیدگی به پرونده ترور دکتر عبدالرحمن قاسملو است، وین، ۲۲ تیر سال ۱۳۶۸ (۸۹/۷/۱۳)، اطلاعات خود را در اختیار دادگاه می‌کونوس گذاشت.

او گفت هر دو طرف، مذاکرات را روی نوار ضبط می‌کرده‌اند و نوار تمام گفتگوها وجود دارد اما تیراندازی ضبط نشده است.

روز سوم مارس یک افسر دیگر پلیس آلمان در دادگاه شهادت داد.

گزارشهای دادگاه در شماره‌های آینده خبرنامه دنبال می‌شود.

دادگاه میکونوس برلین، محاکمه متهمان به قتل صادق شرفکندی و یارانش، در نیمه دوم ماه دسامبر ۹۴، بطور مرتب تشکیل نشد اما پس از آن روال عادی کار خود، دو جلسه در هفته، را ادامه می‌دهد.

دوشنبه دوم ژانویه ۹۵، خانمی که در همسایگی رستوران میکونوس زندگی می‌کند شهادت داد. او گفت پس از صدای تیراندازی، دو نفر را دیده که به طرف اتومبیل تیره‌رنگی که با چراغ خاموش کنار خیابان منتظر آنها بوده دویده و سوار آن شده‌اند.

پنج و شش ژانویه به دلیل بیماری یکی از قضات دادگاه تشکیل نشد و در ۱۲ ژانویه ۲۲/۹۵ دی ۷۳، یکی از وکلای دارابی از دادگاه خواست که دو ایرانی که در زندان مواجبت برلین، و در همان بند که دارابی، زندانی هستند برای شهادت دعوت شوند. او گفت من روز قبل اطلاع پیدا کردم که شخصی به نام ناصر در صحبتی که از طریق پنجره سلول خود با ایرانی دیگری به نام محمد داشته به او گفته است که قبل از واقعه میکونوس، ابومحمد (یوسف امین) و حسام شهرور و محمود علیان را در یک خانه دیده است. وکیل دارابی اصرار داشت که این دو نفر همان روز و بدون اینکه به آنها اطلاع قبلی داده شود و قبل از اینکه کسی بتواند با آنها صحبت کند، به دادگاه احضار شوند. همان روز، علیرغم مخالفت دادستان و وکلای شاکی خصوصی که می‌گفتند دادگاه برای شنیدن این شهادت آمادگی ندارد، ناصر ک. و محمدرضا ک. به دادگاه آورده شدند. ناصر ک. گفت که:

در طبقه سوم زندان زندگی می‌کنم و یک ایرانی دیگر به نام آقارضا هم در طبقه چهارم است، درست روی سلول من. ما با هم راجع به همه چیز صحبت می‌کنیم. جمعه گذشته من با وکیل ملاقات داشتم، یک زندانی عرب را با چند نگهبان به آنجا آوردند. به خاطر آوردم که این مرد ابومحمد است و من او را در سپتامبر ۱۹۹۲ دیده‌ام. به سلول که برگشتم ماجرا را برای آقارضا گفتم. به او گفتم که در آن تاریخ یک دوست عرب به نام بسام شهرور که از من کاراته یاد می‌گرفت گفت برادرش (حسام شهرور) که تازه ازدواج کرده به برلین برگشته و می‌خواهد به دیدن او برود و از من خواست من هم با او بروم. من حسام را از قبل می‌شناختم، قبول کردم و با اتومبیل من به برلین شرقی به خانه حسام شهرور رفتیم. در آنجا علاوه بر حسام، ابومحمد و یکنفر به نام ابوشریف و یکنفر به نام ابواحمد یا چیزی شبیه به این، هم بودند. شهرور از داخل یک ساک چند اسلحه بیرون آورد و برای امتحان به دست آنها داد. آنها با هم به زبان عربی حرف می‌زدند و من نمی‌فهمیدم اما حس کردم با هم معامله اسلحه می‌کنند.

ناصر ک. قبلاً صاحب رستورانهای هما و پنتوراما در برلین بوده است و اکنون به جرم فروش مواد مخدر زندانی است. در جلسه روز بعد، ۱۹ ژانویه، در پاسخ رئیس دادگاه در مورد اتهام خود گفت: شما که حکم دادگاه را در اختیار دارید، بخوانید. و رئیس دادگاه قسمتی از پرونده را می‌خواند: «ناصر ک. حسام شهرور را در جریان معامله حدود یک کیلوگرم کوکائین قرار می‌دهد ولی شهرور مسئله را به پلیس خبر می‌دهد و معامله با توافق پلیس درخانه شهرور انجام می‌گیرد، پلیس به آنجا

حمله می‌کند و ناصر را دستگیر می‌کند. از خانه خود او هم اسلحه کمری پیدا می‌شود.» شاهد می‌گوید در دادگاه تجدید نظر حتماً تیره می‌شود چون مفاد این پرونده، توطئه شهرور علیه اوست.

در این جلسه محمدرضا ک. که به جرم وارد کردن سیگار قاچاق به آلمان، در مواجبت زندانی است به دادگاه آورده شد. او که خودش میل داشت به زبان آلمانی حرف بزند، گفت: دارابی و ناصر ک. علیه من توطئه کرده‌اند. سلول دارابی زیر سلول ناصر ک. است و آنها مرتب با هم حرف می‌زنند ولی او هیچوقت به من نگفت که در سلول طبقه دوم هم یک ایرانی زندانی است. گاهی می‌گفت افغانی است و گاهی یک نام عربی را می‌گفت. یک روز به ناصر گفتم من نوری دهکردی را می‌شناختم، بچام یا بچه او به یک مدرسه می‌رفته و خود او مرد خوبی بوده است، کسانی که او را کشته‌اند از حیوان بدترند. اما ناصر گفت آنها این کار را از روی اعتقاد کرده‌اند.

شاهد که در زندان کار می‌کند گفت: ناصر و دارابی علیه من توطئه کرده‌اند. برای من قابل فهم است که ناصر بخواهد به دارابی کمک کند، او به خوبی می‌داند که اگر دارابی آزاد شود و به ایران برگردد موقعیت خوبی پیدا می‌کند، مثلاً وزیر می‌شود، و ناصر می‌خواهد رابطه‌اش را با او حفظ کند تا وقتی خودش هم به ایران برگشت وضع خوبی داشته باشد. توطئه آنها علیه من باعث شد من کارم را در زندان از دست بدهم.

در جلسه نوزدهم ژانویه، همچنین میکائیل ریشتر کارمند پلیس جنایی آلمان به جایگاه شهود آمد و در باره گذرنامه‌های یوسف امین و عباس رایل و علی صبرا و روایدهای گوناگون و مهرهای ورود و خروج این افراد به کشورهای مختلف، از جمله پاکستان، توضیحاتی داد و گفت که برخی از این روایدها جعلی است. آنها گذرنامه‌ها را دستکاری می‌کنند که معلوم نشود به کدام کشورها رفت و آمد می‌کنند.

شهادت کارمندان پلیس

شمانکه بازپرس پلیس جنایی آلمان که از ابتدا مأمور بازپرسی از محمد جراده و مسئول دستگیری ایاد بوده است روز ۲۶ ژانویه/۶ بهمن در دادگاه حاضر شد. او گفت جراده در بازجویی ۲۷ اکتبر ۹۲، از قول ایاد گفته که طراح کشتار میکونوس او بوده و خودش هم قرار بوده در عملیات شرکت کند اما یک ایرانی که رهبر عملیات بوده او را کنار گذاشته است. شمانکه به این سؤال که چرا با وجود اطلاعات به دست آمده، ایاد را پنج هفته بعد دستگیر کرده‌اید؟ پاسخ روشنی نداد.

این شاهد روز سوم فوریه نیز بار دیگر در دادگاه حاضر شد و در مورد خانه‌ای که برنجیان در اختیار دارابی و او در اختیار حیدر قرار داده بود، صحبت کرد و گفت که براساس شواهد، تا مدت کوتاهی قبل از بازرسی، خانه مورد استفاده بوده است. روز ۲۷ ژانویه، خانم باوئر کارمند اداره پلیس و مأمور ارزیابی مدارک مربوط به دارابی و ایاد، در دادگاه شهادت داد. او اوراق مالی مربوط به خرید و فروشها، تلفن‌ها، و رسیدهای بانکی فعالیتهای مالی دارابی و ایاد را بررسی کرده است. او گفت دوشنبه ۱۲ سپتامبر ۹۲ دارابی اعلام کرده گذرنامه‌اش گم شده است و گذرنامه

جدید گرفته است، در آن موقع او در آن واحد دو گذرنامه معتبر داشته است. شاهد در مورد تماسهای تلفنی که در روزهای ۱۳ تا ۱۶ سپتامبر، به وسیله تلفن سیار دارابی، بین برلین و نقاط مختلف آلمان و خارج از آلمان برقرار شده است صحبت کرد و اشاره کرد به تلفنی که قبل از ساعت هشت شب ۱۷ سپتامبر از برلین به هامبورگ و اولدنبورگ شده است. دارابی در بازجوییهای خود مدعی شده بود که از ۱۳ تا ۱۸ سپتامبر در برلین نبوده است.

نکته مهم دیگر در شهادت خانم باوئر، مربوط به برداشت رقمهای بزرگی از حساب بانکی دارابی است که در هیچ یک از اوراق شرکت او ثبت نشده است. در فاصله اول تا ۱۸ سپتامبر یکبار پنجاه هزار مارک به ایران فرستاده شده است، دو بار دیگر هر بار ۲۰ هزار مارک برداشت شده است.

رئیس از وکلای دارابی خواست روشن کنند این مبلغ به چه مصرفی رسیده است.

۲ فوریه رئیس اعلام کرد تقاضای دادستان برای مطرح کردن پرونده قتل قاسلو در وین، در دادگاه میکونوس پذیرفته شده و یک مأمور پلیس اتریش در دادگاه شهادت خواهد داد.

در این جلسه متهمان نارضایتی خود را از شرکت در دادگاه به اشکال مختلف مطرح کردند. امین گفت دیگر خسته شده‌ام و نمی‌خواهم در جلسات شرکت کنم. مدارک را مخفی کرده‌اند و به دادگاه ارائه نمی‌دهند ولی مطالبی که به دادگاه مربوط نیست اینجا مطرح می‌شود. به من اجازه کار در زندان نمی‌دهند. بسرم مریض است... و شروع به گریه کرد.

ایاد گفت: ما دیگر تحمل نداریم. کار دادگاه را تمام کنید. و اتریس گفت: من هم دیگر نمی‌توانم تحمل کنم.

بعد از تفصیل، وقتی یک مأمور دیگر پلیس آلمان به نام بینز در دادگاه حاضر شد یوسف امین با سرو صدای زیاد گفت: « لطفاً یک قرار صادر کنید، من از فردا به دادگاه نمی‌آیم. خودم را می‌کشم، جسد من را به بیروت ببرید. من بقیه در صفحه ۳

با خوانندگان

- هزینه تهیه و توزیع هر نسخه خبرنگارنامه حدود دو دلار آمریکا، ده فرانک فرانسه، یک لیره انگلیس، دو فرانک سوئیس و سه مارک آلمان است. با کمک مالی خود بخشی از این هزینه‌ها را تأمین کنید.

- با ارسال وجه نقد، چک یا حواله بانکی، تمپر پست و کوپن بین‌المللی پستی می‌توانید به تداوم خبرنگارنامه یاری رسانید.

- در توزیع بیشتر خبرنگارنامه سهیم و شریک شوید. خبرنگارنامه را بخوانید و به دیگران بدهید.

- تکثیر و توزیع خبرنگارنامه و نقل مطالب آن با ذکر ماخذ آزاد است.

نشانی کمیته:

Comité Iranien Contre la Répression Et le Terrorisme d'Etat (C. I. C. R. E. T. E.)
42, rue MONGE
75005 PARIS - FRANCE
FAX 43 44 14 52